

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

## فرخنده باد شصتیمین سالگرد رویداد دوران ساز اکتبر بزرگ!

### تزه‌های کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت شصتیمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر



انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که تحت زب کمنیست اتحاد شوروی و پیشوای داهی تحقق یافت ، نه تنها بزرگترین رویداد سده بزرگترین حادثه تاریخ انسانی است ، زیرا نین انقلابی است که در جبهه سرمایه شکافی ساخت و بر پایه اتحاد رزمنده کارگروه‌ها ، حزب انقلابی طراز نوین پرلتاری ' راه را بسوی فارغ از ستم طبقاتی و مای گشود ، یعنی به نمان از انسان و استعمار خلقها ، در یک ششم نه داد و اکثریت محروم را از اسارت و تحقیر لیت ممتاز رهائی بخشید و بقدرت حاکمه‌سازان انسانی اعضاء جامعه را بمعنای همه جانبه جدی نه تنها اعلام ، بلکه تضمین کرد .

انقلاب اکتبر به سوسیالیسم علمی مارکس و که تا امروز تنها يك آموزش انقلابی و يك شماعی بود ، جامعه عمل پوشاند و نتیجه گیریهای يك مارکس و انگلس را از انقلاب کمون ر باره ضرورت استقرار دیکتاتوری پرلتاریایی ای اکثریت زحمتکش جامعه ، بعنوان شرط تالی از جامعه طبقاتی به جامعه بدون طبقات ، شید .

انقلاب اکتبر آنچهان نیروی مادی و معنوی از بطن تاریخ معاصر بیرون کشید و وارد روزه ساخت ، که دشمنانش هرگز قادر به نبودند . این نیروها آنچهان پویا ، بیکار جو و مؤثرند که تاکنون پاتلاش خلاق خود ، بینی ها و زمینه چینی‌های دشمنان طبقاتی را ، روبرو ساخته و بیش از پیش درحوادث تاریخ ات ژرف خود را باقی میگذارند . این تاثیر گونی بنیادی سرپای جامعه بشری و پیروزی سالی تابناک مارکس ، انگلس و لنین ، در همان ، باقوتی فزاینده ادامه خواهد یافت .

انقلاب اکتبر صحت مشی بلشویکها را درمقابل نویستی جناح راست احزاب سوسیال دمکرات لخت و موجد پیدایش احزاب طراز نوین کارگری شدن قبضی جهان شد .

پیروزی انقلاب اکتبر دوران نوینی در تاریخ یعنی دوران گذار از سرمایه‌داری بسوسیالیسم است .

لنین پیشوای کبیر انقلاب و بنیاد گزار از نوین طبقه کارگر توانست پیروزی آنرا با شخص فکری و علمی ، سیاسی و سازمانی خود ، تدارک و تأمین کند . وی با پیگیری و علمیت و دقت بی نظیری ، آموزش مارکس را بررسی کرد و جوهر انقلابی را از مغفله‌های ننی تئورسین های انترنلسیونال دوم رهائی بخشید و روش را بر شرایط ویژه دوران انقلاب داد و در ار کسبیم را در شرایط ورود سرمایه‌داری جهانی امپریالیستی آن گسترش بخشید و احکام نی تر ساخت و امکان پیروزی سوسیالیسم را کشور جدا گانه در تئوری و در عمل به ثبوت بدینسان در عرصه علم و عمل خود را وارث و نده مارکس و انگلس و از جهت سازمانگری تنظیم استراتژی و تاکتیک آن و رهبری همه

جانبه‌اش خود را در قله قدرت و صلاحیت نشان داد . بهمین جهت عنوان مارکسیسم بحق با لنینسم که بسط خلاق آن در شرایط نوین تاریخی است تکمیل میشود .

این آموزش در شرایط کنونی نیز از جهت اصول اساسی خود در زمینه فلسفه ، اقتصاد ، کمنیسم علمی ، اصول ساختمان حزب طراز نوین طبقه کارگر و غیره ، طراوت و فعلیت خویش را محفوظ داشته است . حزب کمنیست اتحاد شوروی و سرپای جنبش انقلابی پرلتاری جهانی باپراتیک وسیع خود این آموزش را دمبم با احکام و مقولات نو غنی میسازند و اینکار در عین نبرد با انحرافات چپ و راست و تجدید نظر طلبی ضد اصولی ، که مارکس و انگلس ولنین همیشه و با پیگیری بی امان علیه آن رزمیدانند ، انجام میگیرد و از پاکیزگی اصول تئوری انقلابی دفاع فعال بعمل می‌آید .

لنین می‌آموزد که بدون تئوری انقلابی عمل انقلابی مسر نیست . لنین می‌آموزد که تئوری انقلابی مارکس و انگلس همه توان است ، زیرا حقیقت است . این تئوری در پیوند با جنبش توده‌ها قادر است جهان را در جهت منافع این توده‌ها در گون کند .

حزب کمنیست اتحاد شوروی که لنین بزرگ آنرا در نبرد با اپورتونیزم چپ و راست ، بنیاد گذارد ، عقل و شرف و وجدان جامعه شوروی و تاریخ دوران ماست . این حزب با انطباق خلاق و اصولی ارثیه معنوی مارکس و انگلس و لنین بر شرایط و عرصه‌های مختلف توانست ساختمان دولتی و سیاست اقتصادی خارجی و داخلی دولت سوسیالیستی را در هر لحظه معین ، بشکل مشخص روشن سازد ، بموقع عوام‌فریبان ، چپ و سازشکاران راست را بر ملا کند ، کادر های لازم را برای متنوع‌ترین وظایف سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، علمی ، فرهنگی ، هنری و غیره پرورده و آنها را بموقع خود پیش کشد و در جلی لازم قرار دهد ، دمکراسی سوسیالیستی را که از جهت ما هیت خود دمکراسی خلق است ، دمبم بسط دهد و مکانیسم آنرا کاملتر سازد . در عرصه تولید صنعتی و کشاورزی و توزیع و خدمات و ارتباطات و آموزش و پژوهش و بهداشت و رفاه عمومی ، طی نقشه‌های پنجساله ، گلهای غول آسانی به پیش بردارد . هر کز در تاریخ بشر چنین نیروی متشکل ، آگاه از قوانین حرکت تاریخ توانا برای استفاده ماهرانه از تحرك توده‌ها وجود نداشته است ، این ناختی آزموده ایست که کشتی انقلاب را از امواج طوفانی تاریخ معاصر گذرانده و آنرا با اطمینان بسوی کرانه کالیبی به پیش میبرد و بحق گردان پیشگام و نیروی عمده روند انقلاب جهانی بشمار میرود .

حزب کمنیست اتحاد شوروی نمونه برجسته حزب طراز نوینی است که لنین آنرا اهرم سیاسی تحولات بنیادی اجتماعی میدانست . تجارب سازمانی این حزب مانند اجراء پیگیری اصل مرکزیت دموکراتیک ، رهبری علمی و جمعی ، انضباط یکسان درصنر و ذیل ، وحدت اراده و عمل ، مشخص بودن مشی سیاسی و سازمانی ، آموختن از توده‌ها و آموزش آنرا بنوده‌ها و غیره بسی گرانبه است . بدون چنین حزبی ، پرلتاریا و دیگر نیروهای انقلابی قادر نمی‌بودند به وظایف عظیم و بفرنجی که برابرشان بود جامعه عمل ببوشانند .

تجربه اتحاد شوروی در ساختمان زیربنای نوینی سوسیالیسم و سیر بطرف سوسیالیسم رشد یافته و تدارک

پایه‌های مادی و فنی کمنیسم دارای اهمیت و دامنه جهانی - تاریخی است . آنهایی که مایلند این تجربه را یک تجربه محلی جلوه‌گرا سازند و از اهمیت جهانشمول آن بکاهدند ، اگر نیت نادرستی را دنبال نکنند ، لااقل متهورتنگ نظریه‌های محلی شده‌اند . جریانات مختلفی که خود را تحت عنوان ' مائوئیسم ' ، ' تئور کمنیسم ' ، یا اصطلاحات مارکسیستی - لنینستی می‌آرایند ، ولی محتوی انترنلسیونالیستی و طبقاتی آنرا تحت عنوان ' خلافت ترتوری ' ، یا ' انطباق مارکسیسم بر ویژگیها ، مخدوش میکنند ، به امر مشترک پرلتاریایی جهانی در نبرد شوارش علیه سرمایه زبان می‌سازند . تردیدی نیست که تاریخ در سیر عبرت انگیز خود این مکاتب را مانند انواع مکاتب نظیر باناکاماسی روبرو خواهد کرد و خلافت اصیل و علمی و انقلابی را بر تجدید نظر طلبی های دمساز گرانه و فرصت طلبانه پیروز خواهد ساخت .

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که اتحاد داوطلبانه صد ملت مختلف در سرزمین پهناوری برابر یک ششم زمین است ، زاده انقلاب اکتبر و پاسدار و ادامه دهنده راه آنست . انقلاب اکتبر علیرغم دشواری های عظیم ، راه خود را پیروزمندان به بسوی جلو گشود و بر مداخله گران بیگانه و ژنرالهای تساری که خواستار بازگشت به گذشته بودند در جنگ داخلی غالب آمد ، دشواریهای عظیم اقتصادی دوران احیاء اقتصادی پس از جنگ داخلی را حل کرد ، کشور را بسوی صنعتی شدن سوسیالیستی و جمعی شدن کشاورزی سوق داد و در برابر تعرض بربر منشاءه دد فاشیستی با پایداری حماسی ایستاد و ضربات کوبنده ای بر این دد وارد ساخت و سرانجام آنرا در کشمکش نابود کرد . پس از جنگ دوم جهانی اتحاد شوروی در برابر شانزده اتمی امپریالیستی و جنگ سرد و انواع فشارهای اقتصادی و تهدید های نظامی و تحریمات سیاسی امپریالیستها و بر رأس آن امپریالیسم امریکا دهها سال مانند کوه پابرجا ماند و علیرغم شرایط دشوار و نامساعد ، جراحات فراوان جنگ را التیام بخشید و اقتصاد شکوفانی بر پایه علم و فن معاصر بوجود آورد . نه تنها توطئه امپریالیستی برای نابود ساختن حاکمیت شوروی شکست خورد ، بلکه در اثر پیروزی بر فاشیسم و میلترالیسم ژاپن يك سلسله کشورهای اروپا و آسیا از قید سرمایه آزاد شدند و سیستم جهانی سوسیالیستی بوجود آمد و تجلوزات خونین امپریالیسم امریکا برای نابود کردن کشور های سوسیالیستی کره شمالی ، ویت نام و کوبا با شکست رسوا مواجه گردید . یکی از پدیده های مهم پس از جنگ دوم جهانی تکامل یکسلسله از کشورهای جامعه سوسیالیستی به سطح جامعه سوسیالیسم رشد یافته و عملی شدن روند هم پیوندی (اتسکرا سیون) سوسیالیستی است که اتحاد شوروی در آن نقش مرکزی ایفاء میکند . سیاست جهاننگ جامعه سوسیالیستی ضامن عمده صلح و ترقی است و نقش حرجه اولی در حیات بین المللی عصر ما ایفاء کرده و میکند .

انقلاب اکتبر اثراتی ژرف در همه حوادث دوران معاصر باقی گذاشت . در اثر پیروزی این انقلاب و استقرار حاکمیت پرلتاریا و ساختمان جامعه نوین

سوسیالیستی ، تحولات عظیمی در سراسر جهان و جامعه بشری انجام گرفته و میگردد . در نتیجه این انقلاب بحران عمومی سرمایه‌داری که با جنگ اول جهانی آغاز شده بود ، عمیق یافت . در اثر بسط و عمق این بحران و وارد شدن آن به مراحل بدنی خود ، بنای قوتوت استعمار امپریالیستی فرو ریخت . در نتیجه پیروزی انقلاب اکتبر جنبش انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه داری وارد مرحله کیفی نوینی شد و به بسط و قدرت بیسابقه‌ای رسید و در عقول و افکار مردم جهان بانحاء گوناگون تحولات مهمی در جهت درک بهتر شرایط زیست اجتماعی و ضرورت مبارزه برای بهبود آن پدید آمد . جنبه‌های اتحادیایی و صنفی ، جنبه‌های زنان ، جوانان ، دوستداران صلح و امنیت جمعی ، مخالفان نژاد گرایی و غیره و غیره ، هریک با چهره و قدرت و محتوی تازه‌ای به صحنه آمده‌اند . نقش سوسیالیسم دمبم در جهان بیشتر میشود و سوسیالیسم به عامل تعیین کننده سیر تاریخ آتی انسانیت بدل شده و هم اکنون ابتکار تاریخی را در دست دارد و از آنجمله گرایش تشنج زدائی که در اثر مساعی صلح خواهانه سوسیالیسم در انبوه متناقض حوادث امروزی پدید آمده گرایش مسلط روزگار ماست . سوسیالیسم بانکات نیروی عظیم مادی و معنوی خویش حملات متقابل و هار امپریالیستی را که از سوئی باعوامفریبی در باره حقوق بشر و از سوئی بانشدید مسابقه تسلیحاتی می‌خواهد تعادل خود را حفظ و ناکامیهای خود را جبران کند ، با اقتداری شار از شکیب و متانت ، که ناشی از اعتماد بنفس تاریخی و حقانیت امر اوست طرد و رد میکند . بهره کشان پیرونده تصور میکنند که میتوانند چرخ تاریخ را بعتب بر گردانند و به بهشت گمشده ، خویش را باز یابند . تاریخ انسانیت معاصر تنها در آن بزرگراهی پویان است که مشعل فروزنده اکتبر آنرا روشن ساخته است . خلقهای جهان طی مبارزات مختلف راه سرمایه‌داری را که آهسته مضائب برای بشریت ببار آورده بتدریج رها میکنند و موقلنت های ، سوسیالیسم واقعی بیش از پیش مسئله راه رشد سوسیالیستی را با قوت و صراحت در برابر آنها مطرح میکنند . پیروزی سوسیالیسم علمی در دستور روز تاریخ قرار گرفته و بیش از پیش ثابت میشود که حل مضللاتی مانند جنگ ، بحران ، بیکاری ، جهل ، فقر ، تضاد فامش طبقاتی ، ستم ملی و نژادی ، فساد و انحطاط ، و انواع معایب عمقی دیگر جوامع سرمایه‌داری تنها از عهده يك تحول بنیادی در جهت نظام سوسیالیستی عملی است .

تناسب نیروها در جهان ما بیش از پیش بسود سوسیالیسم تغییر میکند و تقالهای مختلف امپریالیستی علی رغم این یا آن موقلنت محلی و موقت ، در قیال مبارزه نیروهای مترقی جهان و در پیشانی آن احزاب انقلابی کارگری کشورهای سوسیالیستی ، بشکلی دمبم ژرفتر و قلمی تر با ناکامی روبرو میشود .

دستاوردهای عظیم اقتصادی شوروی بهترین دلیل درستی پیش بینی های پیشوایان پرلتاریایی جهانی و آموزش سوسیالیسم علمی است . علیرغم مشکلات عظیم و کوه افکن ، در مدتی کوتاه برابر با شصت سال که عمر يك نسل را دربر میگردد ، اتحاد شوروی که پس از جنگ داخلی ، یعنی در سال ۱۹۲۱ تنها یک شصتم امریکا تولید صنعتی داشت . اکنون در يك دنباله در صفحه ۲

پیام

نامه ایرا که با دو شعار زیر پایان داده بودید بدست ما رسید . ما نظریاتی را که در نامه داده بودید تأیید میکنیم . از تصمیم شما در باره پیوستن به حزب توده ایران بسیار خرسندیم و با اهمیت را به شما و به همه رفقای حزبی شادباش میگوئیم - دوستانی که با شما تماس گرفته و راه برقراری پیوند با مرکز حزب را در اختیار شما گذارده اند مورد اطمینان کامل مینا با درود فراوان - کمیته مرکزی حزب توده ایران - شعارها : هر چه گسترده تر باد مبارزه نیرو هلی راستین مارکسیست - لنینیست بر علیه هر گونه انحراف چپ یا راست کارگری کشورمان ! - هرچه ثمربخش تر باد کوشش نیرو های مترقی در جهت تحقق وظیفه مبرم کنونی جنبش یعنی وحدت کلیه نیرو های ضد رژیم در درون جبهه واحد !

سلسله از رشته های تولید معدنی و صنعتی و دامپروری و برخی عرصه های علم و فن از ایالات متحده امریکا پیشی گرفته و در مجموع بین ۸۰ تا ۹۰ درصد این کشور تولید میکند .

سهم اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اکنون در تولید جهانی به ۲۰ درصد یعنی پسی بیش از سهم ایالات متحده یا سهم کشور های باختری اروپا بالغ است .

درک این نکته دشوار نیست که اگر مشکلات عظیمی که امپریالیسم موجد آنها بوده وجود نداشتند اقتصاد سوسیالیستی با آهنگی سریع تر - پرباریه رشد تقشهای و موزون و متناسب - اکنون به دستاورد هایی پسی شگرف تر نقل آمده بود - نتیجه تاریخی مهمی که از این مقدمه میتوان گرفت آنست که انقلاب اکبر ثمرات خود را نشان داد و صحت خود را بپهوت رساند و مسلم شد که این یک 'آزمایش' یا یک 'مدل' اجتماعی نیست ، بلکه آن راه اصلی تاریخی است که بشریت برای تکامل یعنی خود و بر اساس جبر تاریخی باید آنرا طی کند .

هم اکنون نیز اتحاد شوروی با وجود مشکلاتی که دشمن طبقاتی می آفریند و مساعی فراوانی که مجبور است برای دفاع اطمینان بخش از دستاورد های انقلاب مبنول دارد ، با موفقیت شالوده مانی و فنی جامعه کمونیستی را که مرحله دوم عالی جامعه سوسیا لیستی موجود است میریزد .

اتحاد شوروی در پیشرفت روند واحد انقلاب جهانی ، که از سه نیروی اساسی یعنی کشور های سوسیالیستی ، جنبش انقلابی کارگری در کشور های سرمایه داری و جنبش رهایی بخش ملی در کشور های جهان سوم تشکیل میشود و نیز در انواع جنبش های مترقی و دمکراتیک دیگر ، تأثیر و نقش درجه اولی ایفاء میکند .

بدون وجود عامل انقلابی متفکر و مجرب مانند اتحاد شوروی و امکانات وسیع و همه جانبه اش ، بدون پیروزی عظیمی بر فاشیسم آلمان و متحدش میلیتاریسم ژاپن ، بدون نقش کنونی وی در نبرد با امپریالیسم جهانی ، بدون کمک های بلاشروط اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی به نیروها و جنبشها و کشورهای انقلابی و دمکراتیک جهان ، بیکار ثمربخش این نیروها در قبال امپریالیسم متجاوز و ژاندارمهای تحت فرمانش نیل به موفقیت های پایدار کار دشوار و قریب به محال بود . احدی ذیق نیست ، از دیدگاه یک ملت گرائی تنگ نظرانه ، این عامل عظیم تاریخی را نادیده بگیرد یا نقش آنرا کوچک کند .

در پرتو این عامل مؤثر تاریخی ، طی دهه های اخیر ، عدلهای از کشورها توانستند بشکل نسبی یا کامل از یوغ اسارت امپریالیسم و سرمایه داری رهایی یابند و برخی از احزاب و جنبشهای انقلابی و مترقی به تکمیل و گسترش بیسابقه ای ناال آمده اند .

تصادفی نیست که رهبران این جریان های مترقی و جنبش های رهایی بخش بارها باری همه جانبه اتحاد شوروی را بخود باسپاس صمیمانه ای تصریح کرده و ستوده اند . اکنون جنبش رهایی بخش در جهان سوم وارد مرحله دشوارتر نبرد برای استقلال اقتصادی و خاتمه دادن به دوران مبادله نا برابر با متروپل های امپریالیستی شده و در این مرحله نیز از یاریهای پرارزش اتحاد شوروی برخوردار است .

از آنجا که اتحاد شوروی در روند واحد انقلاب جهانی ، بهمت اقتدار و تجربه و مقام تاریخی خود ، باور یعنی و علیرغم پسندیدن یا پسندیدن این یا آن ، نقش مرکزی دارد و از آنجا که بدون همبستگی اجزاء سه گانه این روند و بدون مراعات آکید اصل انترناسیونالیسم پرلترتی ، نه در گذار بل در کردار 'مردم شاکندن مقاومت عودانه و مجلانه جبهه جهانی سرمایه میسر نیست ، لذا حفظ همبستگی و همکاری اصولی با اتحاد

شوروی ، در عین مراعات استقلال و ابتکار در تعیین اجراء مشی سیاسی خویش یکی از شرایط حیاتی پیشرفت و پیروزی هرگردان انقلابی و انکار این اصل دور ساختن خلق از بزرگترین منبع قدرت و الهام و از بهترین دوست و مددکار خود است ، چنانکه بارها مارکس و لنین تصریح کرده اند ، در مقابل جبهه جهانی سرمایه که اکنون در وجود انحصارهای چند ملتی و برپایه تراکم بیسابقه سرمایه در مقیاس جهانی اتحاد خود را بسط میدهد ، خیزش احزاب عمل انقلابی و گرد انهای رهایی بخش در غلاف ملی ، مطلق کردن ویژگی ملی و محلی بزبان قانونمندیهای علم جنبش انقلابی و تضعیف پیوند همبستگی جهانی کمونیست ها و همه نیروهای مترقی که محتوی انترناسیونالیسم پرلترتی عصر ماست ، کوتاه بینی سیاسی و ایراد ضربه سنگین و بخلق و جنبش اوست .

حزب ما طی تاریخ حیات دشوار خود ، علیرغم شیوه های افراط و فساد دشمن طبقاتی ، نفی اصل انترناسیونالیسم پرلترتی را در اشکال علنی یا مستور آن طرد و خود آنرا نه در لفظ و ادعا ، بلکه در عمل سیاسی خویش پیگیرانه مراعات کرده است .

یکی از تقشهای برجسته حاکمیت شوروی طی شصت سال گذشته در سیاست جهان ، مبارزه پیگیر و مبتکرانه و همه جانبه در راه صلح و امنیت جمعی و دوستی و همکاری خاتمه بوده و هست . نبرد در راه صلح از ماهیت یک دولت سوسیالیستی می تراود و دولتی که خود را سوسیالیستی می نامد ذیق نیست راه و خامت انگیزی و جنگ افروزی در پیش گیرد .

اتحاد شوروی علاوه بر ماهیت سوسیالیستی ، بهمت تاریخ خود ، دلبستگی عمیق به صلح دارد . این کشور در جنگ دوم جهانی بیست میلیون کشته ، دهها میلیون معاول ، صدها میلیارد خسارت و ویرانی متحمل شده است . لذا این کشور بیش از هر کشوری قلم صلح را میداند . بویژه آنکه سوسیالیسم برای برجسته ساختن باز هم بیشتر برترهای خود ، برای نیل به سطح عالی دمکراسی و رفاه ، علم و فرهنگ ، یازده و بهره وری کار و نیرو و غیره عمیقاً به صلح نیازمند است . لذا نبرد در راه و خامت زدائی ، علیه جنگ سرد ، بخاطر صلح و امنیت جمعی و دوستی و همکاری خاتمه ، علیه مسابقه خاتمان برانداز تسلیحاتی ، محور مرکزی سیاست خارجی اتحاد شوروی است و علیرغم پرده غلیظ دود افتراء و بهتان امپریالیستی ، این نکته ای نیست که بر کسی پنهان مانده باشد . امپریالیستها و بر رأس آنها امپریالیسم غدار و متجاوز امریکا ، در قبال سیاست صلح شوروی ، دائماً دست به حملات تخریبی و تحریک آمیز میزنند و هر بار در تلاشند تا محیط تشنج بین المللی و مسابقه فزاینده تسلیحاتی و مخارج نظامی را حفظ و آنها را به سطح بالاتر و بالاتری تصاعد دهند و از راه بازرگانی شوم و سود آور اسلحه و غارت منابع ثروت خاتمه کیسه بی ته و پایاب سوداگران مرگ را بیش از پیش انباشته کنند . اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی ، نیرو های مترقی و صلح خواه سراسر جهان با پیگیری و سرسختی در راه هدف مقدس خود و سراسر انسانیت مبارزه میکنند . این امر که اکنون ۲۲ سال است علیرغم انباشت بیسابقه سلاح امحاء گر هسته ای ، علیرغم وجود تضاد عمیق اجتماعی و اقتصادی بین سوسیالیسم و سرمایه داری ، صلح حفظ شده و دورنمای حفظ پایدار تر آن پدید گردیده است ، در درجه اول به برکت اتحاد شوروی است .

سیاست صلح و همزیستی و تشنج زدائی مایه تقویت جنبشهای انقلابی و رهایی بخش و دمکراتیک و موجب تضعیف نیروهای ارتجاعی است . در شرایط نبرد علیه و خامت بین المللی است که کشور هائی مانند ویت نام ، لائوس ، کامبوج از تجاوز مستقیم و وحشیانه امپریالیسم امریکا ، کشورهای مانند آنگولا ، موزامبیک ،

گینه بیسائو ، کاب وری از استعمار فاشیسم پرتغال ، کشورهای مانند حبشه ، اسپانیا ، پرتغال ، یونان از چنگار رژیمهای فاشیستی رهایی یافتند و جمهوری دمکراتیک آلمان از طرف کشور های سرمایه داری برسویت شناخته شد و یکسلسله تحولات مثبت دیگر در مناسبات بین المللی رخداد .

امپریالیسم در تلاش ابلیسانه خود علیه صلح و برای تجدید محیط تشنج از پشتیبانی رهبران پکن و رژیمهای ماوراء ارتجاعی برخوردار است . رهبران پکن اصل عمده مارکسیستی دفاع از صلح و علیه جنگ جهانی ، اصل لنینی همزیستی مسالمت آمیز سیستمهای مختلف اجتماعی و اقتصادی را که گاه در لفظ تأیید کرده اند ، در عمل با سیاست تشدید و خامت و همکاری با جناح ماوراء ارتجاعی طبقات حاکمه سرمایه داری جانشین ساخته اند . دفاع از صلح و تشنج زدائی و علیه مسابقه تسلیحاتی وظیفه مقدس هر انسانی است که بمسئولیت انسانی و اجتماعی خود آگاه است . تشنج فزائی و تبلیغ آشکار یا در پرده جنگ و خامت ، جنایت فجیعی است علیه سراسر بشریت .

حزب توده ایران این اصل را قدامتافه آئی ، محاسبات ناسیونالیستی ، جلب وجهه در عوامفریبی نمیکند . بنظر حزب ما رابطه با اتحا سنگ محک صداقت نسبت به میهن خود و نسبت به آموزش انقلابی مارکسیسم - لنینیسم به امر انقلابی پرلترتاری جهانی است . تجربه سال اخیر در مورد کشور های مختلف جهان نشان داده است که روش ضد شوروی ، با استبدادی که 'توجه' شود و هر بهانه ای ک تعقیب آن عرصه گردد ، سرانجام به منقلب است و شکست می انجامد . درست بهمین جهت است امپریالیسم روش ضد شوروی را به محور تبلیغ کمونیستی خود بدل کرده است و درست بهمین است که حزب ما چنین روشی را خیانت بمفاه خود و خاتمه های جهان میداند و طرد و رد میکند .

حزب توده ایران این اصل را قدامتافه آئی ، محاسبات ناسیونالیستی ، جلب وجهه در عوامفریبی نمیکند . بنظر حزب ما رابطه با اتحا سنگ محک صداقت نسبت به میهن خود و نسبت به آموزش انقلابی مارکسیسم - لنینیسم به امر انقلابی پرلترتاری جهانی است . تجربه سال اخیر در مورد کشور های مختلف جهان نشان داده است که روش ضد شوروی ، با استبدادی که 'توجه' شود و هر بهانه ای ک تعقیب آن عرصه گردد ، سرانجام به منقلب است و شکست می انجامد . درست بهمین جهت است امپریالیسم روش ضد شوروی را به محور تبلیغ کمونیستی خود بدل کرده است و درست بهمین است که حزب ما چنین روشی را خیانت بمفاه خود و خاتمه های جهان میداند و طرد و رد میکند .

رفقای عزیز حزبی! دوستان اراد و هواداران توده ایران! زنان و مردان مترقی میهن ما! حزب مائستخین سال انقلاب پرافتخار سوسیالیسم را بشما تبریک میگوید ، زیرا این صحیفه ای است از تاریخ جهان و متعلق بخاق نیست و خلق ما از هربراه حق و وظیفه دارد این جشن خود را شریک شورد .

وظیفه ماست که آموزش کبیر مارکس - لنینیسم رانه بشکل ناقص و جسسه گرفته ، بطور جامع و عمیق و در تکامل امروزی آن ، فرا باید واقعیت اتحاد شوروی و سوسیالیسم موجد بشناسیم ! پرده های سنگین دروغ ، سفسطه و علیه شوروی و جامعه نوین سوسیالیستی را بکنند و تاریخ مشخص تکامل این جامعه ، دستاوردهای آن ، تکامل آتی و خدمات جهانی - تاریخی پرستی دریابیم ! درک این واقعیت نیروی ایمان و قدرت دوران ساز انقلابی آنرا تقویت میکند و حر آرمان انقلابی را به بیوت میرساند . در راه و خامت زدائی ، علیه سازشکاری با امپریالیسم ارتجاعی ایران دنبال میکند ، علیه تبدیل ایران اسلحه و ژاندارم منطقه مبارزه کنیم ! بخاطر روابط دوستی همه جانبه ایران و کشورهای سوسیا و جنبشهای رهایی بخش بکوشیم ! مدافع دوستی و شوروی ، مروج اندیشه های سوسیالیسم علمی افتراء زندگان به سوسیالیسم و به اتحاد شور تحریف گران ، چپ ، راست تئوری انقلابی را مایبند بین خاتمه و نیروهای عدده انقلابی عصر ما و تفرقه بیاندازند بر ملا سازیم ! برای اتحاد کلیه نیرو ضد دیکتاتوری ، بمنظور پایان دادن و سرنگون ، بنی شوم استبداد و دستگاه ترور و اختناق و آزادیهای دمکراتیک مبارزه کنیم !

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
مرداد ۱۳۵۶

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
مرداد ۱۳۵۶